ابتکار

روزنامه صبح ایران

چهارشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۴
۲۷ محرم ۱۴۴۶
۲۳ جولای ۲۰۲۵
سال بیستم
شماره ۵۹۶۱
۸ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

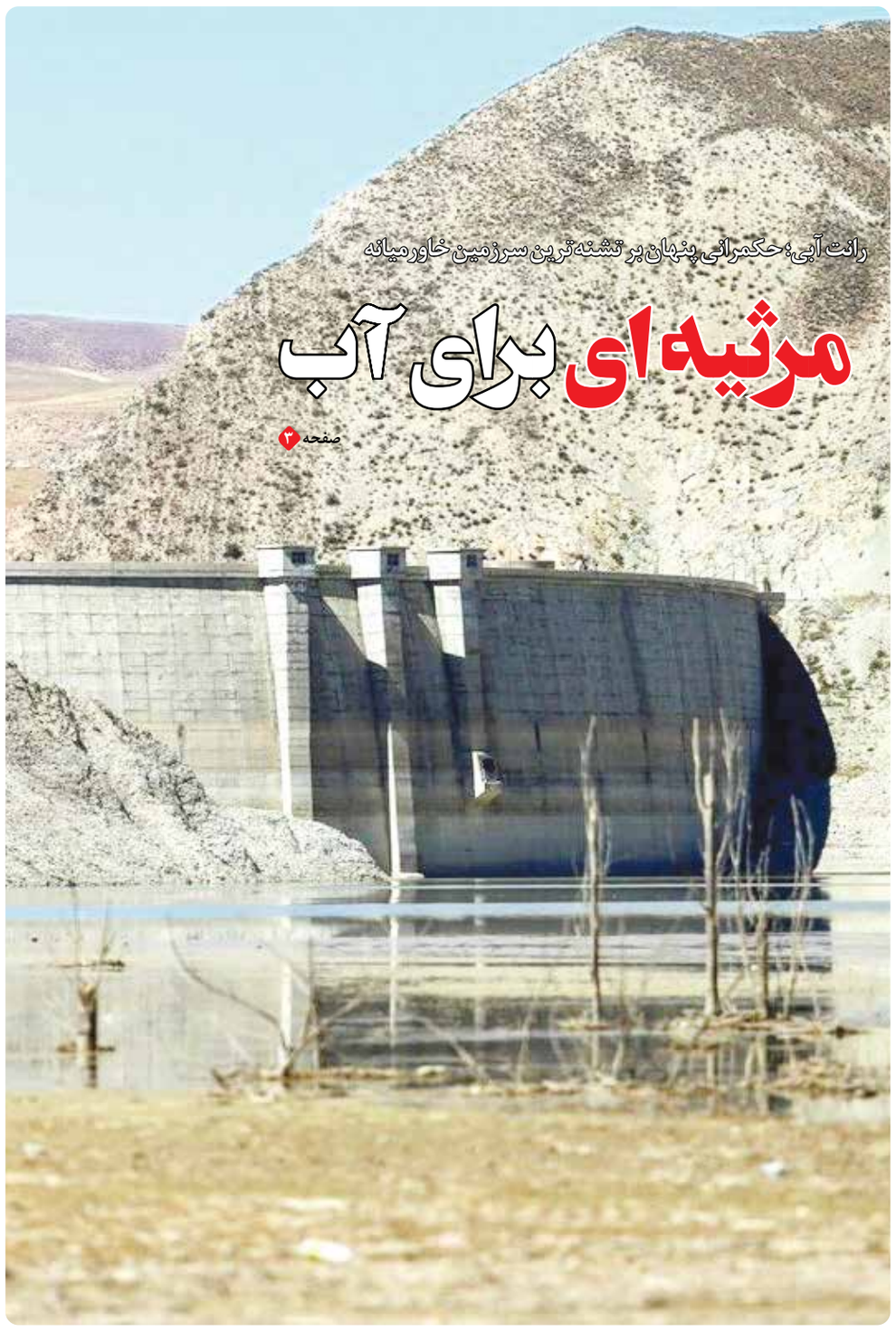

رانت آبی؛ حکمرانی پنهان بر تشنه‌ترین سرزمین خاورمیانه

مرثیه‌ای برای آب

صفحه ۳

از پای ثابت شدن جواد لاریجانی در صداوسیما تا بازگشت کاظم صدیقی و تداوم‌فیلترینگ

لج‌بازی به‌جای همبستگی

جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل فرصتی برای همبستگی ملی ایجاد کرد، اما رفتارهای پس از آتش‌بس، مثل اظهارات جواد لاریجانی در صداوسیما، و بازگشت کاظم صدیقی به نماز جمعه، نشان‌دهنده بی‌توجهی به این همبستگی بود. این روند همراه با تداوم فیلترینگ و پروژه‌هایی مانند عدم کفایت پزشکیان، می تواند به ناامیدی عمومی دامن زده و شکاف بین جامعه و نظام حکمرانی را عمیق‌تر کند.

جنگ ۱۲روزه میان ایران و اسرائیل، همان‌گونه که بسیاری از تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کردند، فرصتی طلایی برای تقویت همبستگی ملی و نزدیکی بیشتر مردم به حاکمیت به‌وجود آورد؛ دوره‌ای که در آن جریان‌های سیاسی و اقشار مختلف جامعه یک‌صدا در برابر تهاجم خارجی ایستادند.

کارشناسان معتقد بودند اگر مردم یک گام به سمت حاکمیت برداشته‌اند، این بار نوبت دولت و نهادهای رسمی است که با شنیدن صدای مردم، فاصله موجود را کاهش دهند. اما در عمل، در فاصله یک ماه پس از آتش‌بس، شاهد رفتارهایی بوده‌ایم که نه‌تنها نشانه‌ای از ترمیم این رابطه نبود، بلکه برعکس با تداوم آن‌ها ناامیدی در جامعه ایجاد خواهد شد. بیشترین نمود این رفتارها در صداوسیما بروز پیدا کرد.

در اوج حملات اسرائیل به خاک ایران، چهره‌های شاخص اصلاح‌طلب همچون سیدمحمد خاتمی، مهدی کروبی و مصطفی تاجزاده با بیانیه‌ها و نامه‌هایی صریح، این اقدام را محکوم کردند؛ مواضعی که حتی از برخی چهره‌های موسوم به انقلابی نیز وفادارانه‌تر بود. اما، صدای آن‌ها در صداوسیما جایی پیدا نکرد و مشمول سانسور شد.

نخستین نشانه بازگشت به «تنظیمات کارخانه» نیز در سخنان قائم‌مقام صدا و سیما نمود پیدا کرد؛ جایی که او منتقدان را به تلاش برای حذف «به نام خدا» از رسانه ملی متهم کرد و حتی مدعی شد که آن‌ها می‌خواهند وطن را به «آغل» تبدیل کنند. این سخنان از سوی ناظران، به‌منزله بی‌اعتنایی آشکار به پیام وحدتی تلقی شد که از سوی منتقدان صادر شده بود.

شرح درصفحه ۱۱

مسعودپزشکیان:

آمادگی داریم با اپوزیسیون هم گفت‌وگو کنیم

صفحه ۲

سرمقاله

سعید پای بند

مقتدرانه به مباحث اصلی ملت ورود کنید

دکتر پزشکیان نیک می داند، افکار عمومی کشور با چشمانی باز، نگاه به گام‌های نخست دولت شما دوخته‌اند. امروز مردم بیش از هر زمان دیگر نیازمند پاسخ‌های روشن و عملکرد مقتدرانه هستند؛ نه وعده‌های تکراری، نه شعارهای درمان‌گر.

رئیس جمهور نیک می‌داند که در چه شرایط حساسی به صندلی پاستور رسیده است. رقیبی قدرتمند با تمام امکانات در کارزار انتخابات حضور داشت و در حالی که بسیاری از مردم با صندوق‌های رای قهر کرده بودند، با شعارهای امیدبخش شما، دوباره پای صندوق‌های رای آمدند. این نشان از اعتماد و انتظار بالای آنان از دولت شماست. تا کنون اکثریت شعارهای انتخاباتی شما مغفول مانده است.

تورم، گرانی، بی‌ثباتی بازار و نارضایتی عمومی از وضعیت معیشت، زنگ خطرهای مهمی برای دولت است. سؤال مشخص مردم آن است که مدل اقتصادی دولت شما چیست؟ آیا برای کنترل افسارگسیخته‌ی قیمت‌ها، برنامه‌ای اجرایی و نه صرفاً تبلیغاتی در دست دارید؟ افزایش روزافزون قیمت کالاهای اساسی نتیجه نبود نظارت و رها شدن بازار در دستان دلالان و رانت‌خواران است. برای مقابله با این وضعیت، جسارت و اراده لازم است؛ دو ویژگی که انتظار می‌رود در شخصیت شما وجود داشته باشد.

ساختارهای اداری، اقتصادی و سیاسی کشور در بسیاری از نقاط نیاز به بازنگری و اصلاح جدی دارند. ناکارآمدی‌های مزمن، فساد و بوروکراسی پیچیده، مانعی جدی در مسیر حکمرانی خوب هستند. شفافیت، قانون‌گرایی و برخورد قاطع با امتیازطلبی‌های محفلی باید در رأس برنامه‌های اجرایی شما قرار گیرد.

ادامه درصفحه ۲

همه واکنش‌ها به فیلم «پیرپسر»

چرا «پیرپسر» حساسیت سیاسیون رو برانگیخت؟!

صفحه ۴

پیش‌بینی رشد مثبت اقتصاد واقع‌بینانه‌نیست

رشد اقتصادی زیر فشار نااطمینانی

صفحه ۶

از اتحادیه اروپا تا اردوغان علیه رژیم صهیونیستی موضع گرفتند

جهان علیه جنایتکاران غزه

صفحه ۷

خبر

رابرت گیتس: دانش هسته‌ای ایران از بین نمی‌رود

وزیر دفاع پیشین ایالات متحده اذعان کرد که آمریکا حتی با حملات نظامی خود قادر به نابودی کامل برنامه هسته‌ای ایران نیست، زیرا دانش هسته‌ای ایران نابودشدنی‌نیست.

به گزارش ایسنا، «رابرت گیتس» وزیر دفاع پیشین ایالات متحده شرایط فعلی جهان را یکی از «خطرناک‌ترین» دوران‌های تاریخ توصیف کرد. او با اشاره به بحران غزه، جنگ اوکراین و جنگ تعرفه‌ای آمریکا با چین، گفت: «چین اکنون با افزایش تعرفه واردات کالاهای آمریکایی به ۱۲۵ درصد پاسخ داده است. حالا کشاورزان آمریکایی نگران هستند که چین اکنون برای تأمین نیازهای خود به سراغ دیگر کشورها برود.» او در مصاحبه با شبکه خبری بلومبرگ گفت: «ما هرگز به‌طور هم‌زمان با ۲ قدرت بزرگ هسته‌ای متخاصم، یکی در آسیا و دیگری در اروپا، مواجه نبوده‌ایم. در اروپا یک جنگ بزرگ جریان دارد، در خاورمیانه هم جنگ بزرگی در جریان است و در آسیا نیز تهدید وقوع جنگ وجود دارد. همه این‌ها در حالی رخ می‌دهد که ما آمریکایی‌ها درباره نقش‌مان در جهان، درباره سیاست، و درباره تقریباً هر چیز دیگری دچار شکاف هستیم. بسیاری از مسائل هم که باید حل‌وفصل شوند، همچنان رها شده‌اند: از کسری بودجه و بدهی گرفته تا این‌که چگونه بار دیگر ظرفیت ساخت‌وساز نظامی را بازسازی کنیم و صنایع دفاعی را احیا کنیم. پس این دوره، دوره‌ی واقعاً دشواری است.» گیتس که در ۲ دولت مختلف آمریکا وزیر دفاع بوده، نابرابری‌های تجاری را یک مسئله امنیت ملی دانست و گفت: «بعد از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده مزایای تجاری بزرگی به آلمان، ژاپن و همچنین کشورهای اروپایی داد که تلاش می‌کردند از خرابی‌های جنگ رهایی یابند... اما هیچ‌گاه آن امتیازات را پس نگرفتیم. در طول سال‌ها، این نابرابری‌ها روی هم انباشته شد و هیچ‌کس واقعاً تمایلی به مقابله با آن نداشت، چون این موضوع بسیار حساس بود، به‌ویژه در میان متحدان‌مان. بعد، با ورود چین به سازمان تجارت جهانی این مسائل تجاری به‌سرعت تشدید شد.» وی افزود: «به‌نظر من، ما حالا در حوزه تجارت و در زمینه هزینه‌کرد دفاعی اروپایی‌ها، وارد مرحله‌ای از تسویه‌حساب و بازنگری در مشکلاتی شده‌ایم که مدت‌هاست وجود داشته‌اند.» گیتس همچنین در مسئله غزه بر لزوم یک نهاد سیاسی معتبر برای فلسطینیان تاکید کرد، اما گفت تشکیلات خودگردان نمی‌تواند این جایگاه را داشته باشد، زیرا به ادعای گیتس، این نهاد «فاسد و ناکارآمد» است. وزیر دفاع پیشین ایالات متحده درباره حمله رژیم و آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران گفت: «این مسئله نخستین‌بار زمانی مطرح شد که من وزیر دفاع در دولت جورج بوش بودم، یعنی حدود سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸. آن زمان گفتم تردیدی نیست که ما می‌توانیم به تأسیسات هسته‌ای ایران آسیب جدی وارد کنیم و همچنان بر این باورم که ما می‌توانیم برنامه هسته‌ای ایران را به‌شدت عقب بیندازیم، ولی نمی‌توانیم آن را به‌طور کامل از بین ببریم. دانش آن‌ها از بین نمی‌رود.» وی افزود: «نظرم همان چیزی است که ۱۵ سال پیش به رئیس‌جمهور بوش می‌گفتم؛ اینکه شما می‌توانید آسیب بزنید، اما نمی‌توانید همه‌چیز را نابود کنید. شما فقط زمان می‌خرید. سوال این است که آیا می‌توان از زمانی که خریده شده برای رسیدن به یک توافق استفاده کرد یا نه.» گیتس که سابقه ریاست سازمان سیا را هم در کارنامه دارد، در ادامه به مناقشه اوکراین پرداخت و گفت: «بدون اوکراین، امپراتوری روسیه وجود ندارد. پوتین این موضوع را باور دارد و فکر می‌کند باید اوکراین را دوباره به آغوش امپراتوری روسیه بازگرداند. پوتین احیای امپراتوری روسیه را رسالت شخصی خود می‌داند.» وی افزود: «اهداف پوتین از روز اول هیچ تغییری نکرده‌اند: او چهار استان شرق اوکراین را می‌خواهد؛ می‌خواهد اوکراین خلع سلاح شود؛ خواستار دولتی طرفدار روسیه در کی‌یف است؛ و خواهان ممنوعیت عضویت اوکراین در ناتو و اتحادیه اروپا است. او ذره‌ای از این اهداف عقب‌نشینی نکرده و حاضر است هر بهایی برای آن بپردازد.»

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای
(نوبت دوم)

ARAS FREE ZONE

تجهیز و نوسازی ناوگان خودرویی و تشریفات سازمان
(خرید یک دستگاه خودروی لندکروز)

شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۱۷۵۰۰۰۰۰۳۱

سامانه تدارکات دولت الکترونیک www.setadiran.ir
متن کامل آگهی در سایت: www.arasfz.ir
اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان منطقه آزاد ارس

معاون پیشین وزیر جهاد کشاورزی مطرح کرد

بحران آب تهران نه افسانه است نه سیاه‌نمایی

خشکسالی و مشکلات مرتبط با کم آبی، بسیاری از استانهای کشور را درگیر و ظرفیت آبی پشت سدهای کشور را به پایین ترین حد خود رسانده است. بر اساس اعلام نظر کارشناسان حوزه منابع طبیعی بحران آبی تا حدی حاد شده که خطر اتمام ذخایر آبی سدهای تهران دور از ذهن نیست.

به گزارش فرارو، با توجه به بحران آب در کشور و به ویژه در شهرهای بزرگ و صنعتی، دکتر جهانگیر پرهمت، عضو هیات علمی پژوهشکده حفاظت خاک و آبخیزداری و معاون پیشین وزیر جهاد کشاورزی در گفت‌وگو با فرارو به تحلیل شرایط موجود پرداخته است:

بحران آب کشور سخت و فزاینده است

جهانگیر پرهمت به فرارو گفت: «واقعیت این است که با نوعی خشکسالی شدید رو به رو شده ایم که دوره برگشت آن را باید بیش از یک قرن درنظر بگیریم .البته آمارهای ثبت شده کشور در این حد نیست که دوره برگشت را به طور دقیق ببنیم و به آن چه رخ داده دسترسی داریم، اما تحلیل های آماری بسیار بیشتر از این را نشان می دهد. بارندگی در کشور ما روند کاهشی را طی می کند و طی زمستان سال گذشته، میزان بارش برف بسیار کم بوده است. درواقع بیشتر باران باریده تا برف. اگر برف بیشتری داشتیم درواقع ذخایری در کوه ها داشتیم که به تدریج ذوب می شد و در طول فصل گرما، به داد ذخایر آبی کشور می رسید، اما اکنون، از این گزینه نیز محروم شده ایم.» وی افزود: «در شرایط مذکور، هیچ واژه ای بهتر از بحران سخت و فزاینده، نمی تواند توصیف کننده وضعیت باشد. در این وضعیت هیچ راهی نداریم به جز مدیریت و صرفه جویی مصرف آب. آب مصرفی مناطقی مثل تهران، وابسته به منابع آب سطحی است. منابع آب سطحی چگونه تامین می شود؟ این منابع به واسطه بارش ها و جمع شدن آب، پشت سدها تامین می شود. سپس این آب، پس از اقدامات و مراحلی به شکل آب شرب در اختیار مصرف کنندگان قرار می گیرد. منابع آب زیرزمینی، نقشی بسیار کمرنگ تر، در تامین آب مورد نیاز ساکنان شهر تهران دارد و عمده آب مورد نیاز مردم تهران از طریق آب های سطحی و بارش ها تامین می شود.»

بحران آب تهران نه افسانه است و نه سیاه نمایی

معاون پیشین وزیر جهاد کشاورزی در خصوص استفاده از روش جیره بندی آب برای مدیریت مصرف گفت: «بی رودروایسی بگویم که با این وضعیت بارش ها و وضعیت آب های سطحی به ویژه در تهران، کار خاص و جدیدی از دست مسئولان بر نمی آید. جیره بندی، یک مشکل مهم دارد؛ وقتی جیره بندی انجام می شود به این معناست که آب در ساعات مشخصی از شبانه روز باز و در ساعاتی قطع باشد. بنابراین همه آنانی که در مناطقی با خطر جیره بندی حضور دارند باید اقدام به خرید تانکر کنند یا از اقدامات جبرانی دیگری استفاده کنند. ضمن این که در فصل تابستان قرار داریم، جیره بندی آب به ویژه قطع شدن آب در ساعات اوج گرما عملا فشار جسمانی و روانی به شهروندان وارد می کند و مشکلات خاص خود را ایجاد می کند. از طرفی، اگر واقع بین باشیم متوجه می شویم که به محض باز شدن آب و شروع استفاده از جریان آب، همه افرادی که ساعات زیادی از آب محروم بوده اند برای ذخیره و استفاده از آب هجوم می آورند. بنابراین نمی توان گفت که روش جیره بندی آب لزوما موفقیت آمیز است یا تعادل ایجاد می کند چرا که در ساعات وصل شدن جریان آب، احتمال استفاده افراطی، افزایش پیدا می کند. با همه این ها احتمال جیره بندی آب نیز به عنوان راه حل نهایی، دور از ذهن نیست.»

وی افزود: «این که گفته می شود سدها در حال خالی شدن هستند و به معنای واقعی کلمه آبی پشت برخی سدها باقی نمی ماند، افسانه نیست و ممکن است زودتر از آن چه تصور می شود، چنین اتفاقی رخ دهد. بخش زیادی از آب پشت سدها همانطور که اشاره کردم به بارندگی سالانه متکی است و با این وضعیت بارندگی ها خالی شدن سدها نه دور از انتظار است و نه عجیب. هر سال از ابتدای پاییز تا انتهای اردیبهشت، شاهد بارندگی در شهر تهران و حواشی پایتخت هستیم. این بارندگی ها، برای وضعیت شهر در فصل گرما بسیار تاثیر گذار محسوب می شود و از خلال بررسی همین میزان بارندگی و نرخ آب جمع شده پشت سدها است که می توان حدس زد تا پایان سال شرایط چگونه خواهد بود. هم اکنون اغلب سدهای تامین کننده آب پایتخت از سد لار و جاجرود تا سد لتیان در خطر قرار دارند. آب پشت این سدها به پایین ترین حد خود رسیده و جریان آبی که وارد این سدها می شود، آب چشمه هاست. حتی وضعیت آب چشمه ها نیز به دلیل این که بارندگی کم بوده است، در شرایط بحرانی قرار دارد. سد ماملو یک مثال واضح برای تشخیص بحران آب است. حتی سدهای بالادست ماملو نیز با بحران مواجهند، چه برسد به ماملو. وضعیت بحران آب در تهران نه افسانه است و نه سیاه نمایی. ما امسال با یک بحران کم سابقه رو به رو شده ایم.»

ضرورت استفاده مؤثر و هوشمندانه از ابزار دیپلماسی

یک استاد روابط بین‌الملل با اشاره به تهدید اروپا به استفاده از مکانیسم اسنپ‌بک و بازگرداندن شش قطعنامه پیشین شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران می‌گوید: «بازگشت تحریم‌های بین‌المللی آثار روانی شدیدی بر بازارهای مالی بحران‌زده ایران دارد. شوک ناشی از چنین تحریم‌هایی به مراتب شدیدتر از تحریم‌های موردی و هدفمند آمریکا علیه اشخاص حقیقی یا نهادهای نظامی خاص است، چون مشروعیت بین‌المللی بیشتری دارد.» دیپلمات‌های اروپایی، از جمله وزرای خارجه فرانسه و آلمان، تهدید کرده‌اند که اگر دست بالا تا پایان ماه اوت (۷ شهریور) پیشرفت ملموسی در مذاکرات هسته‌ای با ایران به دست نیاید، به ساز و کار حل اختلاف پیش‌بینی شده در برجام که به مکانیسم ماشه یا اسنپ‌بک مشهور شده‌است، متوسل خواهند شد. فعال‌سازی این ساز و کار عملا طی یک فرآیند ۴۵ روزه تا ۲ ماهه به معنای بازگشت ۶ قطعنامه تحریمی علیه ایران تحت فصل ۷ منشور ملل متحد است که از مهرماه ۱۳۹۴ بر اساس برجام به مدت ۱۰ سال تعلیق شده‌بودند. جهانبخش ایزدی، استاد روابط بین‌الملل، در گفت‌وگو با خبرآنلاین با اشاره به پیامدهای بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران، می‌گوید فعال شدن مکانیسم ماشه نه‌تنها آثار اقتصادی و روانی جدی در داخل کشور دارد، بلکه فشارهای سیاسی بین‌المللی را نیز مشروع‌تر و سازمان‌یافته‌تر می‌کند. به گفتهٔ او، تنها راه پیشگیری از این روند، استفاده از دیپلماسی قدرتمند و واقع‌بینانه است.

در ادامه متن کامل گفتگوی «خبرآنلاین» را با جهانبخش ایزدی، استاد روابط بین‌الملل، مطالعه می‌کنید.

*** بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت چه خطراتی برای ایران دارد؟

برخی معتقدند نباید دربارهٔ آثار بازگشت این قطعنامه‌ها مبالغه کرد، چون ایران همین حالا هم تحت تحریم‌های گسترده‌ای قرار دارد و بازگشت قطعنامه‌ها تفاوت چندانی ایجاد نمی‌کند. نظر شما چیست؟

برخی بر این باورند که فعال‌شدن مکانیسم ماشه تأثیر چندانی ندارد، چون آمریکا از قبل تمام ظرفیت‌های تحریمی خود را به کار گرفته؛ از تحریم‌های اولیه و ثانویه گرفته تا فشار بر کشورهای دیگر برای رعایت تحریم‌ها، حتی با تهدید به جریمه و غرامت. اتحادیه اروپا نیز در عمل به دلیل فشارهای آمریکا همین تحریم‌ها را رعایت می‌کند و سایر کشورها نیز به دلیل ریسک بالا، حاضر به معامله با ایران نیستند. بنابراین، به‌زعم این گروه، اوضاع از این بدتر نمی‌شود. اما من با این تحلیل موافق نیستم. این استدلال چند اشکال اساسی دارد:

اول اینکه تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت در موضوع ایران، بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صادر شده‌اند. این به آن معناست که برنامه هسته‌ای ایران به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی تلقی شده و بازگشت تحریم‌ها، از منظر حقوق بین‌الملل، وزن و الزام‌آوری بالایی دارد. در نتیجه، کشورها ملزم می‌شوند در چارچوب این هنجارهای بین‌المللی رفتار کنند. دوم اینکه بازگشت تحریم‌های بین‌المللی آثار روانی شدیدی بر بازارهای مالی بحران‌زده ایران دارد. شوک ناشی از چنین تحریم‌هایی به مراتب شدیدتر از تحریم‌های موردی و هدفمند آمریکا علیه اشخاص حقیقی یا نهادهای نظامی خاص است، چون مشروعیت بین‌المللی بیشتری دارد. سوم اینکه بازگشت تحریم‌های اروپایی که بخشی از مجموعه تحریم‌های بین‌المللی هستند، مذاکرات دیپلماتیک پیچیده و طاقت‌فرسایی را می‌طلبد که جدای از مذاکره با آمریکاست. در وضعیت فعلی، اروپا می‌گوید اگر ایران به برجام بازگردد، تحریم‌های جدیدی اعمال نخواهد شد و تحریم‌های لغوشده قبلی نیز صرفاً نیاز به اجرا دارند. اما برای لغو مجدد تحریم‌ها، ایران باید وارد مذاکراتی گسترده با اروپا شود و احتمالاً باید امتیازات بیشتری و جدیدتری هم بدهد.

چهارم اینکه بازگشت تحریم‌های بین‌المللی می‌تواند زمینه را برای بازرسی کشتی‌های ایرانی، به‌ویژه حاملان نفت، فراهم کند. این موضوع، صادرات نفت ایران را با دشواری‌های جدی‌تری روبرو خواهد کرد.

در نهایت، بازگشت این تحریم‌ها، مشروعیت بیشتری به فشارهای بین‌المللی علیه ایران می‌دهد و در سطح سیاسی، به تشدید انزوای سیاسی ایران منجر خواهد شد. به همین دلیل بود که آقای عراقچی هم بارها تأکید می‌کرد که فعال شدن مکانیسم ماشه مسیر را بسیار پیچیده‌تر می‌کند. کسانی که با وجود این ملاحظات، باز هم تأثیر مکانیسم ماشه را بی‌اهمیت می‌دانند، یا دارای دیدگاه‌های رادیکال سیاسی‌اند یا درک درستی از مسائل مربوط به تحریم ندارند.

*** به نظر شما، بهترین راهکار برای جلوگیری از بازگشت قطعنامه‌های پیشین شورای امنیت چیست؟

بهترین راه، استفاده مؤثر و هوشمندانه از ابزار دیپلماسی است. ما باید دقیقاً بررسی کنیم که طرف‌های مقابل-چه آمریکا و چه اتحادیه اروپا-چه توقعاتی دارند و چه چیزی می‌خواهند. اروپایی‌ها که هنوز به‌طور رسمی در برجام باقی مانده‌اند، معتقد هستند که اگر جمهوری اسلامی ایران دربارهٔ آینده برنامه هسته‌ای‌اش توافقی نکند، چه با آن‌ها و چه با آمریکا، آن‌ها مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد.

در این میان، مواضع غربی‌ها هم چندلایه است؛ مثلاً ترامپ ادعا می‌کرد که چون همه چیز را نابود کرده، دیگر نیازی به مذاکره نیست. در حالی که اروپایی‌ها تأکید دارند باید تکلیف برنامه هسته‌ای ایران از مسیر مذاکره روشن شود. اینجا یک نکتهٔ اساسی مطرح می‌شود: تمامی دست‌آوردهای نظامی ایالات متحده و اسرائیل دربارهٔ مسئله هسته‌ای ایران باید از طریق دیپلماسی به توافق‌های الزام‌آور حقوقی تبدیل شود. یعنی آن‌ها جنگ را به دیپلماسی گره می‌زنند تا نتایج آن مشروعیت حقوقی پیدا کند. بدون دیپلماسی، حتی موفقیت‌های نظامی آن‌ها ابتر خواهد ماند.

به باور من اتحادیه اروپا هم عملاً همان مسیری را دنبال می‌کند که آمریکا ترسیم کرده: توقف کامل غنی‌سازی در ایران. حال اگر ایران توانایی ایستادگی و مقاومت در برابر این فشار را دارد، باید بتواند آن را در میدان دیپلماسی نیز اثبات کند. چون طبق گفتهٔ فریدریش کبیر، پادشاه پروس، دیپلماسی بدون قدرت، مانند موسیقی بدون ساز است. بنابراین، اگر توان و قدرت برای ایستادگی وجود دارد، باید ایران ارادهٔ خود را اثبات کند، در غیر این صورت باید وارد توافقی پایدار شود؛ وگرنه همان‌طور که پیش‌تر گفتم، مکانیسم ماشه می‌شود و مخاطرات جدی و دامنه‌داری به همراه خواهد داشت.